Family Psychology
2015, Vol. 2, No. 1, 59-70

روانشناسی خانواده
۱۳۹۴، دوره ۲، شماره ۱، ۷۰-۵۹

نقش واسطه‌ای روانسازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی*

The mediating role of early maladaptive schemas in relation between attachment styles and marital satisfaction

Zeinab Afshari
Psychology of Family Therapy
Fereshte Mootabi &
Leili Panaghi
Family Research Institute, Shahid Beheshti University

زینب افشاری**
روانشناسی خانواده درمانی
فرشته موتابی و
لیلی پناغی
پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

چکیده: یکی از عوامل مهم موثر بر رضایت زناشویی، تجارب اولیه فرد با والدین در دوران کودکی است. این تجارب در شکل‌گیری دلبستگی و روانسازه‌های ناسازگار اولیه تاثیر به‌سزایی دارند. در این پژوهش نقش واسطه‌ای روانسازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی مورد مطالعه قرار گرفت. به‌این منظور ۳۳۳ نفر (۱۹۴ زن، ۱۳۹ مرد) به پرسشنامه‌های سبک دلبستگی بزرگسالان (AAQ)، روانسازه‌های یانگ (YSQ) و رضایت زناشویی انریچ (ENRICH) پاسخ دادند. در نتایج به‌دست آمده بین سبک دلبستگی اجتنابی با رضایت زناشویی همبستگی معنادار یافت نشد در حالی‌که رضایت زناشویی با دلبستگی ایمن همبستگی مثبت معنادار و با دلبستگی دوسوگرا همبستگی منفی معنادار داشت و متغیر روانسازه‌های ناسازگار اولیه در این ارتباط نقش واسطه‌ای داشت. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت افراد با سبک دلبستگی ایمن احتمالا به این دلیل که برداشت مثبت‌تری از خود و دیگران دارند و به دلیل روانسازه‌های ناسازگار کمتر، رفتارهای سازگارانه بیشتری در روابط زناشویی نشان می‌دهند و در نتیجه رضایت زناشویی بیشتری را تجربه خواهند کرد. در مقابل، افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا، دارای تصویری منفی از خود و روانسازه‌های ناسازگار بیشتری در مورد خود هستند، و به تبع آن رفتارهای ناسازگارانه بیشتری نشان می‌دهند که رضایت زناشویی کمتر را در پی دارد.
واژه‌های کلیدی: سبک دلبستگی، روانسازه ناسازگار اولیه، رضایت زناشویی

Abstract: One of the most important factors affecting marital satisfaction is early childhood experiences with parents. These experiences have an important role in developing attachment and early maladaptive schemas. The present study was performed to investigate the mediating role of early maladaptive schemas in relationship between attachment styles and marital satisfaction. A total of 333 participants (194 women and 139 men) completed the Hazan and Shaver's Adult Attachment Questionnaire (AAQ), Young Schema Questionnaire (YSQ) and Enriching and Nurturing Relationship Issues, Communication and Happiness (ENRICH). The results showed that there is no significant relationship between avoidant-attachment style and marital satisfaction, but marital satisfaction had significant positive relationship with secure attachment style and significant negative relationship with ambivalent-attachment style. Also, the early maladaptive schemas mediate these relationships. Based on the results of the present study it can be concluded that individuals who have more secure attachment style develop more positive concept of self, as the result, they have less maladaptive schemas. So they follow more adaptive behaviors and less maladaptive behaviors in their marital relationships, therefore they will experience more marital satisfaction. In contrast, the individuals who have more insecure and ambivalent attachment style have more negative concept of self, therefore they own more maladaptive schemas about self, hence more maladaptive behaviors and less marital satisfaction.
Keywords: attachment style, early maladaptive schema, marital satisfaction

---

*این پژوهش با حمایت مالی قطب علمی خانواده دانشگاه شهید بهشتی انجام شده‌است.
نشانی پستی نویسنده مسوول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده. **پست الکترونیکی**: zeinab_afshari@yahoo.com
Received: 17 Feb 2015 **Accepted:** 28 Apr 2015
دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۸ **پذیرش:** ۱۳۹۴/۰۲/۰۸

مقدمه

رابطه زناشویی[1] به‌عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین رابطه انسانی توصیف شده است، زیرا ساختار اولیه‌ای را برای بنا نهادن رابطه خانوادگی و تربیت کردن نسل آینده فراهم می‌سازد (لارسون و هالمن، ۱۹۹۴). یکی از جنبه‌های حیاتی یک سیستم زناشویی، رضایتی است که همسران در رابطه خویش احساس و تجربه می‌کنند (تانیگوچی، فریمن، تیلور و ملکارن، ۲۰۰۶). در نتیجه یکی از اهداف اصلی تحقیقات درباره روابط بین زوجین، مشخص کردن عواملی است که بر کیفیت تعاملات بین زوجین تاثیر می‌گذارد (چارنیا و آیکس، ۲۰۰۷). یکی از عوامل مهم موثر بر رضایت زناشویی[2]، تجارب اولیه فرد و یا نوع رابطه هیجانی فرد با والدین خود در دوران کودکی است (بیرامی، فهیمی، اکبری و امیری، ۱۳۹۱). نظریه دلبستگی[3] اساسا برای توضیح رابطه عاطفی بین نوزاد و مراقب اولیه طراحی شده است، اما بالبی (۱۹۸۴) معتقد بود دلبستگی عامل مهمی در تجارب افراد در طول زندگی است. طبق باور وی روابط دلبستگی نقش قدرتمندی در زندگی عاطفی بزرگسالان دارد. به عقیده هازن و شیور (۱۹۸۷)، مدل‌های درونکاری[4] دلبستگی جهت شکل‌دهی رفتارهای فرد در روابط نزدیک، در طول زندگی ادامه می‌یابند. همان‌طور که افراد روابط جدید ایجاد می‌کنند، تا حدی بر انتظارات قبلی‌شان راجع به اینکه دیگران چه‌طور نسبت به آنها رفتار می‌کنند و چه احساسی نسبت به آنها دارند، تکیه می‌کنند و از این الگوها برای تفسیر اهداف و مقاصد همسرانشان استفاده می‌کنند (فرالی و شیور، ۲۰۰۰). علاوه بر تاکیدات نظریه دلبستگی، نتایج پژوهش‌های تجربی، ارتباط بین سبک دلبستگی[5] و رضایت زناشویی را معنادار می‌دانند (حمیدی، ۱۳۸۶؛ مظاهری، ۱۳۷۹؛ مؤمن زاده، مظاهری و حیدری، ۱۳۸۴). خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۳) بیان کردند که زنان با سبک‌های دلبستگی دوسوگرا[6]، از طرفی زمینه درگیری و تعارض با همسر را به‌وجود می‌آورند و از طرفی مهارت‌های حل مساله ندارند تا بتوانند مشکل به وجود آمده را حل و از ادامه تعارض و درگیری‌ها جلوگیری کنند. استاکرت و برسیک (۲۰۰۳) در پژوهشی ابراز داشتند رضایت ارتباطی گزارش شده در شرکت‌کنندگان دارای سبک دلبستگی ایمن[7]، بیش از گروه‌های دارای سبک دلبستگی ناایمن[8] است. حمیدی (۱۳۸۶) طی پژوهشی نشان داد دانشجویان متاهل با سبک‌های دلبستگی ایمن، از رضایت زناشویی بالاتری برخوردارند و میزان رضایت زناشویی دانشجویانی که از سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی[9] و دوسوگرا برخوردار بودند نیز، به طور معنادار کمتر از افراد دارای سبک دلبستگی ایمن بود. در پژوهشی که توسط مؤمن زاده و همکاران (۱۳۸۴) انجام شد، بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی روابط معناداری به‌دست آمد؛ به‌گونه‌ای که سبک دلبستگی ایمن با سازگاری زناشویی دارای رابطه مثبت و معنادار و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با سازگاری زناشویی دارای رابطه منفی و معنادار بود. مظاهری (۱۳۷۹) نشان داد که رابطه قوی و مهمی بین سبک دلبستگی خصوصا جفت شدن سبک‌های دلبستگی زن و شوهر با یکدیگر، ساختار خانواده و سازگاری زناشویی وجود دارد؛ به نحوی که نشان‌دهنده اهمیت دلبستگی زوجین به عنوان مولفه مهم در شکل‌گیری روابط خانوادگی است. داده‌های پژوهشی، تمایز واضح و آشکاری را بین زوج‌های ایمن و ناایمن نشان داده‌اند و چنین پیشنهاد می‌کنند که در زمینه سازگاری زناشویی، زوجین ناایمن، ضعیف‌ترین و پایین‌ترین سازگاری و زوج‌های ایمن، بالاترین سازگاری را نشان می‌دهند. بنابر مقدمات ذکر شده به‌نظر می‌رسد سبک دلبستگی بر رضایت زناشویی موثر است و یکی از موضوعات پژوهش حاضر نیز بررسی رابطه بین این دو متغیراست؛ اما آیا رابطه بین دلبستگی و رضایت زناشویی، یک رابطه مستقیم است؟ یافته‌هایی که در ادامه ذکر خواهد شد، این فرض را تقویت می‌کند که ممکن است روانسازه‌های ناسازگار اولیه[10] در رابطه بین این دو متغیر، نقش واسطه‌ای داشته باشند.

به نظر می‌رسد تاثیر الگوهای دلبستگی بزرگسالان در کنترل روابط اجتماعی و خصوصا روابط زناشویی، حاصل فعالیت"مدل‌های درونکاری" است؛ از آنجا که این مدل‌ها،

1. marital relationship
2. marital satisfaction
3. attachment theory
4. working models
5. attachment style
6. ambivalent
7. secure attachment style
8. insecure attachment style
9. avoidant
10. early maladaptive schemas

مفهومی شناختی- هیجانی هستند می‌توان انتظار داشت که روابط معناداری بین مفهومی شناختی چون روانسازه‌های ناسازگار اولیه و الگوهای دلبستگی بزرگسالان وجود داشته باشد. بالبی (۱۹۸۴) ابراز داشت که نوزادان، ضمن درک تجربیات خود با مراقبان، بازنمایی‌های درونی دلبستگی[1] را درباره خودشان و دیگران در روابط ایجاد می‌نمایند. این بازنمایی‌های دلبستگی، انتظارات فرد در مورد روابط آینده را شکل می‌دهند. از سوی دیگر، روانسازه‌ها، باورهای ارزیابی گرایانه در مورد خود و دیگران را شامل می‌شوند. چنین بیان شده است که بازنمایی‌های دلبستگی می‌توانند به عنوان روانسازه‌های شناختی برای روابط، مفهوم‌سازی شوند (ویردن، پیترز، بری، باروکلاو و لیورسیج، ۲۰۰۸). ریشه تحولی روانسازه‌های ناسازگار اولیه در تجارب ناگوار دوران کودکی نهفته است و به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی به وجود می‌آیند، یکی از این نیازهای هیجانی اساسی نیاز به دلبستگی ایمن به دیگران است که شامل نیاز به امنیت[2]، ثبات[3]، محبت[4] و پذیرش[5] می‌شود (یانگ، کلوسکو و ویشار، ۱۳۸۶/۲۰۰۳).

روانسازه‌ها موجب سوگیری در تفسیرهای ما از رویدادها می‌شوند و این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روابط بین‌فردی به صورت سوء تفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف شده، گمانه‌های نادرست، هدف‌ها و چشم داشت‌های غیر واقع‌بینانه خود را نشان می‌دهند (پاسکال، کرستین و جین، ۲۰۰۸). آریتی و بمپوراد (۱۹۸۰) دریافتند که روانسازه‌های ناسازگار اولیه اثر منفی بر رضایت زناشویی دارند. پژوهش‌های انجام شده در ایران در زمینه رابطه روانسازه‌ها و رضایت زناشویی نشان دادند که میان روانسازه‌های ناسازگار با رضایت زناشویی (اندوز و حمیدپور، ۱۳۸۴) و صمیمیت زناشویی[6] رابطه معکوس وجود دارد (ذوالفقاری، فاتحی زاده و عابدی، ۱۳۸۷). نتایج پژوهش نیک‌پرور (۱۳۸۸) نیز نشان داد در هر دو نمونه متقاضی طلاق و غیر متقاضی طلاق، حوزه بریدگی/طرد[7] رابطه منفی معناداری با رضایت زناشویی دارد.

مقدمات ذکر شده بیان می‌کند روانسازه‌های ناسازگار اولیه به‌طور جداگانه با سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی، دارای همبستگی هستند؛ این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال کلی بود که آیا در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی، روانسازه‌های ناسازگار اولیه دارای نقش واسطه‌ای هستند؟ و این نقش چه اندازه است؟ سوالات این پژوهش به تفکیک عبارتند از: ۱) آیا روانسازه‌های ناسازگار اولیه در ارتباط بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی نقش واسطه‌ای دارد؟ ۲) آیا روانسازه‌های ناسازگار اولیه در ارتباط بین سبک دلبستگی اجتنابی و رضایت زناشویی نقش واسطه‌ای دارد؟ ۳) آیا روانسازه‌های ناسازگار اولیه در ارتباط بین سبک دلبستگی دوسوگرا و رضایت زناشویی نقش واسطه‌ای دارد؟

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد متاهل شهر تهران در سال ۱۳۹۳ بود. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: داشتن تحصیلات حداقل دیپلم، سکونت در تهران، تاهل (بودن در ازدواج اول، رسمی و دائمی، و زندگی با همسر در یک خانه)، پرکردن رضایت‌نامه کتبی شرکت در پژوهش و قرار داشتن در محدوده سنی ۱۸ تا ۶۰ سال. تعداد ۴۳۵ فرد متاهل به عنوان گروه نمونه به‌روش نمونه‌گیری در دسترس و با مراجعه به مکان‌هایی از قبیل دانشگاه‌ها، منازل، ادارات و پارک‌ها انتخاب شدند و پس از پر کردن رضایت‌نامه کتبی شرکت در پژوهش به سوالات پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. با توجه به آن‌که ملاک‌های خروج، پاسخ‌دهی تصادفی و بی پاسخ گذاشتن بیش از ۱۰ درصد از پرسش‌های هر پرسشنامه بود، ۱۰۲ پرسشنامه فاقد اعتبار تشخیص داده شدند و از مطالعه حذف شدند و در نهایت ۳۳۳ پرسشنامه با استفاده از مراحل ذکر شده توسط بارون و کنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۹۴ زن و ۱۳۹ مرد بود. میانگین سنی شرکت کنندگان در پژوهش ۳۵/۳۶ سال با انحراف استاندارد ۸/۹۲ بود. از میان شرکت کنندگان در پژوهش ۵۶/۲ درصد (۱۸۷ نفر) دارای سبک دلبستگی ایمن، ۲۸/۵ درصد (۹۵ نفر) دارای سبک دلبستگی

1. attachment internal representation
2. safety
3. stability
4. nurturance
5. acceptance
6. marital intimacy
7. disconnection and rejection

اجتنابی و ۱۵/۳ درصد (۵۱ نفر) دارای سبک دلبستگی دوسوگرا بودند.

ابزارسنجش

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ. در این پژوهش جهت سنجش رضایت زناشویی از فرم بلند پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ[1] (ENRICH؛ فاورز و اولسون، ۱۹۸۹) استفاده شد. این پرسشنامه ۱۱۵ سوال دارد و برای هر یک از سوال‌ها ۵ گزینه منظور شده است. سوالات این مقیاس روی طیف پنج درجه‌ای لیکرت از خیلی زیاد تا خیلی کم و ۰ تا ۴ نمره گذاری می‌شوند. نمره بالاتر نشانه رضایت زناشویی بیشتر است. این پرسشنامه شامل ۱۲ زیرمقیاس است: تحریف آرمانی[2]، رضایت زناشویی[3]، مسایل شخصیتی[4]، ارتباط زناشویی[5]، حل تعارض[6]، مدیریت مالی[7]، فعالیت‌های فعالیت‌های اوقات فراغت[8]، رابطه جنسی[9]، فرزندان و فرزندپروری[10]، خانواده ودوستان[11]، نقش‌های مساوات طلبی[12]، جهت‌گیری عقیدتی[13]. سلیمانیان (۱۳۷۳؛ به نقل از ثنایی، ۱۳۷۹) همسانی درونی[14] این آزمون را برای فرم کوتاه ۰/۹۵ محاسبه و گزارش کرده است. در پژوهشی دیگر، مهدویان (۱۳۷۶؛ به نقل از ثنایی، ۱۳۷۹) با روش بازآزمایی[15] به فاصله یک هفته، پایایی[16] پرسشنامه را برای مردان ۰/۹۳ و برای زنان ۰/۹۴ و برای کل نمونه ۰/۹۴ به دست آورد. ضریب همبستگی پرسشنامه انریچ با مقیاس‌های رضایت خانوادگی[17]، از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس‌های رضایت از زندگی[18] بین ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ گزارش شده است که نشانه روایی سازه[19] آن است (به نقل از ثنایی، ۱۳۷۹). کلیه زیرمقیاس‌های پرسشنامه انریچ زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کند و این نشان می‌دهد که پرسشنامه از روایی ملاکی[20] خوبی برخوردار است (ثنایی، ۱۳۷۹).

پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان. در پژوهش حاضر به‌منظور سنجش سبک‌های دلبستگی از پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان[21] (AAQ؛ هازن و شیور، ۱۹۸۷) استفاده شد. این آزمون ابزاری خودگزارش‌دهی است که بر مبنای سبک‌های دلبستگی سه گانه اینسورث[22] (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) طراحی شده است (بارتولومیو و شیور، ۱۹۹۸). این ابزار اندازه‌گیری، حاوی سه عبارت توصیفی از احساس‌های فرد درباره نزدیکی و صمیمیت در روابط است که هر کدام از آنها به یکی از سبک‌های دلبستگی اشاره دارد. از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود تا کاربردپذیری هر یک از توصیف‌های سه‌گانه را در مورد خودشان روی یک مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای نشان دهند. هم‌چنین شرکت‌کنندگان باید یکی از توصیف‌ها را که بهتر از همه، احساس آنها را در روابط نزدیک و صمیمانه وصف می‌کند، انتخاب کنند. بالدوین و فهر (۱۹۹۵) پایایی کلی این پرسشنامه را ۰/۶۷، روایی[23] این پرسشنامه را ۰/۷ و ضرایب آلفای سبک‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را به‌ترتیب ۰/۸۰، ۰/۵۷ و ۰/۳۲ گزارش کردند. پاکدامن (۱۳۸۰) همبستگی آزمون مجدد را بعد از یک ماه برای دلبستگی ایمن ۰/۳۶، برای دلبستگی اجتنابی ۰/۵۶ و برای دلبستگی اضطرابی دوسوگرا ۰/۷۲ گزارش کرده است.

پرسشنامه روانسازه‌های یانگ. در پژوهش حاضر به‌منظور سنجش حوزه‌های روانسازه‌های ناسازگار اولیه، از فرم کوتاه پرسشنامه روانسازه یانگ[24] (YSQ؛ یانگ و براون، ۱۹۹۹) استفاده شده است. شکل کوتاه پرسشنامه روانسازه‌های یانگ[25] برای اندازه‌گیری ۱۵ روانسازه ناسازگار اولیه بر اساس فرم اصلی تهیه شده است و دارای ۷۵ سوال

1. Enriching and Nurturing Relationship Issues, Communication and Happiness (ENRICH)
2. idealistic distortion
3. marital satisfaction
4. personality issues
5. communication
6. conflict resolution
7. financial management
8. leisure activities
9. sexual relationship
10. children and parenting
11. family and friends
12. equalitarian roles
13. religious orientation
14. internal consistency
15. test-retest
16. reliability
17. family satisfaction
18. life satisfaction
19. construct validity
20. criterion validity
21. adult attachment questionnaire (AAQ)
22. Ainsworth, M.
23.validity
24. Young schema questionnaire (YSQ)
25. Young Schema Questionnaire-Short Form (YSQ-SF)

است. هر سوال روی یک مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملا غلط) تا ۶ (کاملا درست) نمره‌گذاری می‌شود. هر روانسازه به وسیله پنج سوال سنجیده می‌شود. در این پرسشنامه، نمره بالاتر نشان‌دهنده وجود روانسازه‌های ناسازگار اولیه است که آنها را در قالب ۵ حوزه شامل بریدگی و طرد، خودمختاری و عملکرد مختل[1]، محدودیت‌های مختل[2]، دیگر جهت‌مندی[3]، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری[4] می‌سنجد. پژوهش‌های اویی و بارانف[5] (۲۰۰۷)، لی، تیلور و دان[6] (۱۹۹۹)، ریج‌کبور و واندربرگ[7] (۲۰۰۶)، صدوقی، وفایی طباطبایی، اصفهانیان (۱۳۸۶)، آهی، محمدی‌فر و بشارت (۱۳۸۶) ساختار عاملی[8] و روایی سازه آن را تایید کرده‌اند (به نقل از یوسفی، اعتمادی، بهرامی، احمدی و فاتحی‌زاده، ۱۳۸۹الف). ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۷) فرم کوتاه پرسشنامه روانسازه یانگ را روی ۷۰ زوج اجرا کردند؛ در پژوهش آنها ضریب همسانی درونی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۴ و برای بریدگی و طرد ۰/۹۱، خودمختاری و عملکرد مختل ۰/۹۰، محدودیت‌های مختل ۰/۷۳، دیگرجهت‌مندی ۰/۶۷ و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری ۰/۷۸ به دست آمد.

یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی نمرات شرکت‌کنندگان در روانسازه‌ها، رضایت زناشویی و سبک‌های دلبستگی اجتنابی، دوسوگرا و ایمن در جدول ۱ ارایه شده است.

جدول ۱

میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان در سبک‌های دلبستگی، روانسازه‌های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی

متغیر	کمترین	بیشترین	M	SD
دلبستگی اجتنابی	۰	۶	۲.۵۰	۲.۰۰۵
دلبستگی دوسوگرا	۰	۶	۱.۸۶	۱.۷۴۱
دلبستگی ایمن	۰	۶	۳.۴۸	۱.۷۶۰
روانسازه‌های ناسازگار اولیه	۴۶	۳۳۳	۱۶۲.۸۸	۳۹.۸۰
رضایت زناشویی	۱۲۶	۳۸۹	۲۸۴.۸۱	۴۶.۲

جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرهای رضایت زناشویی، روانسازه‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی ایمن، دوسوگرا و اجتنابی را نشان می‌دهد. جهت بررسی هرکدام از سوال‌های پژوهش با در نظر گرفتن تمامی متغیرهای سوال پژوهشی و فاصله ماهالانوبیس[11] داده‌های پرت چند متغیره[12] تشخیص داده شدند و از نمونه خارج شدند؛ بسته به متغیرهای سوال‌های پژوهش بین ۰ تا ۴ نمونه به عنوان داده پرت تشخیص داده شدند.

جدول ۲

ضرایب همبستگی بین متغیرهای رضایت زناشویی، روانسازه‌ها، دلبستگی ایمن، دوسوگرا و اجتنابی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱ رضایت زناشویی	۱				
۲ روانسازه‌ها	-۰.۳۵۳**	۱			

1. impaired autonomy and performance
2. impaired limits
3. other directedness
4. overvigilance and inhibition
5. Oei, T. P. S., & Baranoff, J.
6. Lee, C. W., & Taylor, G., & Dunn, J.
7. Rijkeboer, M. M., & VandenBerrgh, H.
8. factor structure

11. mahalonobis
12. multivariate outliers

ادامه جدول ۲

۳ دلبستگی ایمن	۰.۱۳۰*	-۰.۱۲۰*	۱		
۴ دلبستگی دوسوگرا	-۰.۲۲**	۰.۳۰۲**	-۰.۰۴۰	۱	
۵ دلبستگی اجتنابی	-۰.۰۷۲	۰.۲۶۰**	-۰.۲۰۴**	۰.۱۷۶**	۱

*$p <$ ۰/۰۵ **$p <$ ۰/۰۱

در خصوص نقش واسطه‌ای روانسازه‌های ناسازگار اولیه در ارتباط بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی، از آن‌جایی که همبستگی بین ۳ متغیر سبک دلبستگی ایمن، رضایت زناشویی و روانسازه‌ها معنادار بود، گام چهارم بارون و کنی اجرا شد. در این مرحله متغیر مستقل (سبک دلبستگی ایمن) و واسطه‌ای (روانسازه‌های ناسازگار اولیه) هر کدام یک‌بار به‌عنوان متغیر پیش‌بین متغیر وابسته (رضایت زناشویی) وارد بررسی شدند. نتایج در جدول ۳ ارایه شده است. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود وقتی متغیر مستقل (دلبستگی ایمن) و متغیر واسطه‌ای (روانسازه ناسازگار اولیه) به طور همزمان برای پیش‌بینی متغیر وابسته (رضایت زناشویی) به کار می‌روند، ضریب β مسیر معنادار سابق بین متغیرهای مستقل و وابسته به طور محسوسی کاهش داشته است. این بدان معناست که روانسازه‌های ناسازگار اولیه در ارتباط بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی نقش واسطه‌ای دارند. اما در پاسخ به این که آیا نقش واسطه‌ای روانسازه‌های ناسازگار اولیه در این ارتباط معنادار است؟ وقتی با استفاده از β (ضریب رگرسیون) و انحراف استاندارد دو مسیر (متغیر مستقل- متغیر واسطه‌ای و متغیر واسطه‌ای- متغیر وابسته) و استفاده از فرمول سوبل تست، پاسخ این سوال بررسی شد نتایج زیر به‌دست آمد: t = ۲/۴۱۷، p-value =۰/۰۱۵. با توجه به این‌که نمره t خارج از محدوده ۱/۹۶± قرار می‌گیرد می‌توان گفت در سطح معناداری ۰/۰۱ روانسازه‌های ناسازگار اولیه در ارتباط بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی نقش واسطه‌ای دارند.

جدول ۳

رگرسیون بین دلبستگی ایمن و روانسازه‌های ناسازگار اولیه (متغیرهای پیش‌بین) و رضایت زناشویی (متغیر ملاک)

	B	خطای استاندارد	β	t	معناداری
دلبستگی ایمن	۳/۸۰۲	۱/۴۲۲	۰/۱۴۶	۲/۶۷۴	۰/۰۰۸
دلبستگی ایمن	۲/۵۵۹	۱/۳۵۵	۰/۰۹۸	۱/۸۸۸	۰/۰۶۰
روانسازه‌های ناسازگار	-۰/۴۰۹	۰/۰۶۴	-۰/۳۳۵	-۶/۴۲۲	۰/۰۰۰

متغیر ملاک: رضایت زناشویی

در شکل ۱ رابطه بین متغیرهای سبک دلبستگی ایمن، روانسازه‌های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی مشاهده می‌شود. در مورد نقش واسطه‌ای روانسازه‌های ناسازگار اولیه در ارتباط بین سبک دلبستگی اجتنابی و رضایت زناشویی نتایج پژوهش نشان می‌دهد همبستگی بین رضایت زناشویی (متغیر وابسته) و دلبستگی اجتنابی (متغیر مستقل) معنادار نیست. بنابراین پیش‌فرض‌های بارون و کنی در این مورد صدق نمی‌کند و نمی‌توان گام چهارم را اجرا نمود. بنابراین از آنجایی که همبستگی بین سبک دلبستگی اجتنابی و رضایت زناشویی معنادار نیست، نمی‌توان نقش واسطه‌ای روانسازه‌های ناسازگار اولیه را در آن بررسی نمود.

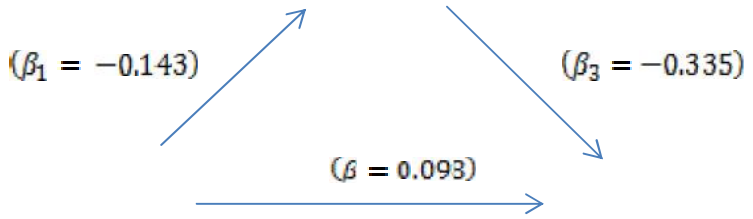

شکل ۱. نقش واسطه‌ای روانسازه‌های ناسازگار اولیه در ارتباط بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی

در خصوص نقش واسطه‌ای روانسازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک دلبستگی دوسوگرا و رضایت زناشویی، با توجه به معناداری همبستگی بین هر ۳ متغیر مستقل، وابسته و واسطه‌ای (جدول ۳)، گام چهارم بارون و کنی اجرا شد. در این مرحله متغیر مستقل و واسطه‌ای هر کدام یک‌بار به‌عنوان متغیر پیش‌بین متغیر وابسته (رضایت زناشویی) وارد بررسی شدند. نتایج در جدول ۴ ارایه شده است. پس از آن‌که متغیر مستقل و واسطه‌ای هر کدام یک‌بار به‌عنوان متغیر پیش‌بین متغیر وابسته (رضایت زناشویی) وارد رگرسیون شدند، ضریب β مسیر معنادار سابق بین متغیرهای مستقل و وابسته به‌طور محسوسی کاهش یافت. این به آن معنا است که روانسازه‌های ناسازگار اولیه در ارتباط بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی نقش واسطه‌ای دارند اما آیا نقش واسطه‌ای روانسازه‌های ناسازگار اولیه در این ارتباط معنادار است؟ با استفاده از β (ضریب رگرسیون) و انحراف استاندارد دو مسیر (متغیر مستقل- متغیر واسطه‌ای و متغیر واسطه‌ای- متغیر وابسته) و استفاده از فرمول سوبل تست، به پاسخ این سوال پرداخته شد و نتایج زیر به دست آمد: t = ۳/۹۷۲۲، p-value =۰/۰۰۰۱. بنابراین با توجه به اینکه نمره t خارج از محدوده ۱/۹۶± قرار می‌گیرد می‌توان گفت روانسازه‌های ناسازگار اولیه در ارتباط بین سبک دلبستگی دوسوگرا و رضایت زناشویی به طور معنادار نقش واسطه‌ای دارد.

جدول ۴

رگرسیون بین دلبستگی دوسوگرا و روانسازه ناسازگار اولیه (متغیرهای پیش‌بین) و رضایت زناشویی(متغیر ملاک)

	B	خطای استاندارد	β	t	معناداری
دلبستگی دوسوگرا	-۵/۴۶۱	۱/۴۳۳	-۰/۲۰۶	-۳/۸۱۰	۰/۰۰۰
دلبستگی دوسوگرا	-۳/۰۵۷	۱/۴۱۴	-۰/۱۱۵	-۲/۱۶۲	۰/۰۳۱
روانسازه‌های ناسازگار	-۰/۳۹۴	۰/۰۶۴	-۰/۳۲۸	-۶/۱۵۲	۰/۰۰۰

متغیر ملاک: رضایت زناشویی

شکل ۲ روابط بین سه متغیر روانسازه‌های ناسازگار اولیه، سبک دلبستگی دوسوگرا و رضایت زناشویی را نشان می‌دهد.

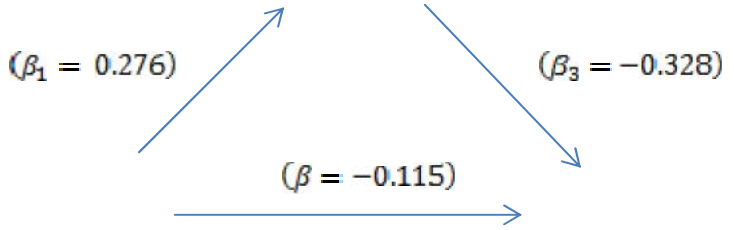

شکل ۲. نقش واسطه‌ای روانسازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک دلبستگی دوسوگرا و رضایت زناشویی

بحث

پژوهش حاضر نقش واسطه‌ای روانسازه‌های ناسازگار اولیه در ارتباط بین رضایت زناشویی و سه سبک دلبستگی ایمن، دوسوگرا و اجتنابی را مورد بررسی قرار داد. در یافته‌های این پژوهش بین سبک دلبستگی اجتنابی با رضایت زناشویی همبستگی معناداری یافت نشد در حالی که رضایت زناشویی با سبک‌های دلبستگی ایمن و دوسوگرا به ترتیب همبستگی مثبت و منفی معنادار داشت و متغیر روانسازه‌های ناسازگار اولیه در این ارتباط نقش واسطه‌ای ایفا می‌کرد.

رابطه معنادار بین سبک دلبستگی ایمن و دوسوگرا با رضایت زناشویی همسو با نتایج پژوهش‌های متعددی است که رابطه بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی را بررسی کرده‌اند (بانز، ۲۰۰۴؛ بشارت ۱۳۹۱؛ بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱؛ حمیدی، ۱۳۸۶؛ سیمپسون، ۱۹۹۰؛ فینی، نولر و کالان، ۱۹۹۴؛ مظاهری، ۱۳۷۹؛ مومن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴). افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، به خود و دیگران اعتماد دارند، به آسانی رابطه برقرار می‌کنند، از ارتباطات خود لذت می‌برند، نگران طرد شدن نیستند، دارای ثبات هستند، در روابطشان لذت، صداقت و رفاقت وجود دارد و درباره خود و دیگران احساس ارزشمندی دارند (بارتولومیو و هرویتز، ۱۹۹۱) این ویژگی‌ها افراد ایمن را در جلب کمک و مساعدت دیگران یاری می‌رساند و زمینه اجتماعی یک ارتباط سالم را فراهم می‌کند. در زندگی زناشویی نیز این افراد با ایجاد ارتباط سالم و بهنجار با همسر خود شرایط بروز مشکلات را به حداقل می‌رسانند درحالی‌که کسانی‌که دلبستگی دوسوگرا دارند در جستجوی مراقبت بالا، صمیمیت، پذیرش و پاسخگویی از جانب شریکانشان هستند و وابستگی بیش از حدی دارند. افراد با دلبستگی دوسوگرا کمتر می‌توانند به دیگران اعتماد کنند، دیدگاه‌های مثبت کمتری نسبت به خود و شریکشان دارند و سطوح بالایی از ابراز هیجان، نگرانی و تکانشوری[1] را در روابطشان نشان می‌دهند. افراد دلبسته دوسوگرا با وابستگی بیش از حد و برخوردهای تکانشی در روابط خود به کیفیت روابط زناشویی‌شان آسیب وارد می‌کنند. هم‌چنین افرادی که در طی دوران رشد، دلبستگی ایمنی با مراقبان خود داشته‌اند، مطابق با مدل‌های درونکاری‌شان، در بزرگسالی روابط ایمن‌تری را در تعاملات خود پیش‌بینی خواهند کرد و این تفسیر و پیش‌بینی باعث افزایش دوام و کیفیت روابط خواهد شد. در عوض افراد با سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا هم‌راستا با نوع دلبستگی خود عموما تفسیر و پیش‌بینی مناسبی از روابط بین شخصی خود ندارند و در نتیجه هنگام تعاملات بین شخصی با الگوی نگران[2] برخورد می‌کنند.

هم‌چنین نتایج این پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی ایمن علاوه بر این‌که با نمره کلی روانسازه‌های ناسازگار اولیه همبستگی منفی معنادار دارد، با دو حوزه روانسازه‌ها یعنی حوزه بریدگی/ طرد و حوزه گوش به زنگی افراطی همبستگی منفی معنادار دارد. این یافته همسو با یافته‌های پژوهش‌هایی است که رابطه مستقیم بین دلبستگی و روانسازه‌ها را تایید کرده‌اند (پلاتز، تیسون و ماسون، ۲۰۰۲ ؛ رفیعی، حاتمی و فروغی ۱۳۹۰؛ ماسون، پلاتز و تیسون، ۲۰۰۵). رفیعی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود رابطه منفی و معناداری را بین سبک دلبستگی ایمن و روانسازه‌های حوزه بریدگی/طرد و خودمختاری و عملکرد مختل و حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری گزارش کردند. ماسون و همکاران (۲۰۰۵) نیز طی پژوهش خود دریافتند نمره روانسازه‌های ناسازگار اولیه در سبک‌های دلبستگی مختلف، دارای تفاوت معنادار است؛ و هم‌چنین بر اساس نمودار روانسازه‌ای می‌توان سبک‌های مختلف دلبستگی را از یکدیگر متمایز ساخت. به نظر می‌رسد در تبیین ارتباط بین سبک دلبستگی و روانسازه‌های ناسازگار اولیه، مفهوم مدل‌های درونکاری نقش اساسی داشته باشد. در نظریه دلبستگی اعتقاد بر این است که نگرش به روابط نزدیک توسط این مدل‌های درونکاری حفظ می‌شوند (بالبی، ۱۹۶۹؛ کولینز و رید، ۱۹۹۰). مدل‌های درونکاری باورهای سازمان‌دهی شده‌ای هستند که انتظارات، ادراکات، واکنش‌ها و رفتارها را شکل می‌دهند (کولینز و رید، ۱۹۹۰). به‌نظر می‌رسد این مفهوم از مدل‌های درونکاری بسیار نزدیک به مفهوم روانسازه‌ها است؛ زیرا هر دو، شناخت‌هایی هستند که تصویر فرد از خود و دیگران را شامل می‌شوند و از طریق شکل‌دهی انتظارات فرد از دیگران و خود در روابط بعدی فرد تاثیرگذار هستند. در واقع همان زمان که سبک دلبستگی مشخص می‌شود و مدل‌های

1. impulsivity

2. worry model

درونکاری ایجاد می‌شوند، روانسازه‌های ناسازگار اولیه نیز در حال شکل‌گیری هستند.

در پژوهش حاضر تمامی حوزه‌های روانسازه‌های ناسازگار اولیه همبستگی منفی معناداری با نمره رضایت زناشویی داشتند. این یافته‌ها همسو با یافته‌های برخی پژوهش‌ها (اندوز و حمیدپور، ۱۳۸۴؛ ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۸۷؛ گانگور، ۲۰۱۵؛ نیک‌پرور، ۱۳۸۸؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹الف) است. پژوهش یوسفی و همکاران (۱۳۸۹الف) فرضیه پیش‌بینی طلاق در رابطه زناشویی بر پایه روانسازه‌های ناسازگار اولیه را تایید نمود و نشان داد که هر چه روانسازه‌های ناسازگار اولیه بیشتر باشد، امکان طلاق و جدایی بیشتر خواهد بود. هم‌چنین اندوز و حمیدپور (۱۳۸۴) طی پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که هر چه روانسازه‌ها ناسازگارتر باشند، رضایت زناشویی کاهش می‌یابد و احتمال ازهم‌پاشیدگی و جدایی در همسران دارای روانسازه‌های ناسازگار رهاشدگی، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، کاستی/ بی‌مهری و محرومیت هیجانی بسیار زیاد است. پژوهش نیک‌پرور (۱۳۸۸) نیز نشان داد که در هر دو نمونه متقاضی طلاق و غیر متقاضی طلاق، حوزه بریدگی/طرد رابطه منفی معناداری با رضایت زناشویی دارد. هم‌چنین نتایج پژوهش یوسفی و همکاران (۱۳۸۹ب) حاکی از این بود که بین روانسازه‌های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد، در این راستا روانسازه‌های حوزه بریدگی و طرد، خودمختاری و عملکرد مختل و هم‌چنین دیگرجهت‌مندی بیشترین ارتباط را با نارضایتی زناشویی داشتند.

در تبیین این یافته می‌توان گفت روانسازه‌های منفی و ناسازگار که بیشتر در پی تجربه‌های ناگوار دوران کودکی پدید می‌آیند، می‌توانند به عنوان هسته اصلی اختلال شخصیت و بسیاری از بیماری‌های محور I درمیان همسران ایفای نقش کنند؛ چرا که روانسازه‌های ناسازگار اولیه برای بقاء خود می‌جنگند و تلاش همسران برای حفظ این روانسازه‌ها، خود موجب بروز کشمکش‌ها یا حتی طلاق می‌شود. علاوه بر این اساسا روانسازه‌های ناسازگار موجب سوگیری در تفسیر رویدادها می‌شوند. این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی به صورت سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف شده، فرض‌های نادرست، هدف‌ها و چشم‌داشت‌های غیرواقع‌بینانه در همسران پدید می‌آید و این سوءبرداشت‌ها بر ادراک‌ها و ارزیابی‌های بعدی در زندگی مشترک تاثیر می‌گذارند (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹الف). بر این اساس می‌توان گفت هرچه سبک دلبستگی فرد ایمن‌تر باشد، مفهوم فرد از خود و دیگران مثبت‌تر است، روانسازه‌های ناسازگار کمتری دارد و به تبع آن رفتارهای سازگارانه فرد در روابط زناشویی افزایش، و رفتارهای ناسازگارانه کاهش می‌یابد. به این ترتیب فرد رضایت زناشویی بیشتری را تجربه خواهد کرد. در مقابل وقتی سبک دلبستگی فرد دوسوگرا باشد، تصویر منفی‌تری از خود و لذا روانسازه‌های ناسازگار بیشتری در حوزه خود خواهد داشت، به‌تبع آن رفتارهای ناسازگارانه بیشتری نشان می‌دهد و رضایت زناشویی کمتری را تجربه خواهد کرد.

اما در نتایج این پژوهش ارتباط معناداری بین سبک دلبستگی اجتنابی و رضایت زناشویی یافت نشد. این نتیجه ناهمسو با نتایج برخی از پژوهش‌های پیشین (بانز، ۲۰۰۴؛ بشارت، ۱۳۹۱؛ بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱؛ حمیدی، ۱۳۸۶؛ سیمپسون، ۱۹۹۰؛ مظاهری، ۱۳۷۹؛ مومن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴) بود. پژوهش برنبام (۲۰۰۷) نشان داد که فقط دلبستگی دوسوگرا با نارضایتی زناشویی ارتباط معنادار دارد. وی یافته‌های خود را این‌چنین تبیین می‌کند که زنان اجتنابی شرکت‌کننده در این پژوهش در مقایسه با زنانی که در دیگر پژوهش‌ها شرکت کرده‌اند، در یک رابطه نسبتا طولانی متعهد شده‌اند، به‌همین خاطر به نظر می‌رسد که این افراد رابطه جنسی و روابطشان را رضایت‌بخش‌تر از شرکت‌کنندگان اجتنابی معمولی ادراک کنند. میکولینسر و شیور (۲۰۱۰) در مطالعه مروری خود به این نتیجه رسیدند که وقتی رابطه بین رضایت زناشویی و سبک دلبستگی در زوجین ازدواج نکرده[1] مورد بررسی قرار می‌گیرد، همسو با نظریه دلبستگی، افراد ناایمن دوسوگرا و اجتنابی رضایت کمتری را از رابطه خود گزارش می‌کنند؛ اما نتیجه مطالعاتی که زوجین ازدواج کرده را مورد بررسی قرار داده است به روشی که سبک دلبستگی سنجیده شده بود، وابسته است. اگرچه تفاوت در روش ممکن است علت این اختلاف در نتایج باشد، اما این اختلاف‌ها دلالت بر این موضوع دارد که ناایمنی دلبستگی کنونی که به طور خاص به روابط نزدیک بزرگسالی مربوط می‌شود، چه با مصاحبه سنجیده شود و چه با

1. dating couples

پرسشنامه خودگزارشی، بهتر از اظهارات فرد از ذهنیتش نسبت به والدین و سایر مراقبان کودکی خود، نارضایتی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. هم‌چنین در تبیین این موضوع می‌توان به یافته‌های فینی و همکاران (۱۹۹۴) اشاره کرد که بیان می‌کنند بُعد اضطراب در رابطه[1] یعنی ویژگی افراد دلبسته دوسوگرا مهم‌ترین بُعد دلبستگی در رضایت از رابطه است اگرچه بُعد راحت بودن با روابط نزدیک[2] یعنی عکس ویژگی افراد دلبسته اجتنابی، بی‌شک متغیر مهمی برای ایجاد یک رابطه صمیمی است، اما شاید در حفظ رابطه اهمیت کمتری داشته باشد. نکته دیگری که می‌توان در تبیین عدم همبستگی سبک دلبستگی اجتنابی و رضایت زناشویی بیان کرد این است که در پژوهش حاضر عدم توجه به سبک دلبستگی همسر باعث نادیده انگاشتن برخی از اطلاعات و عوامل تاثیرگذار بر رضایت زناشویی شد که امکان تبیین را کاهش می‌دهد. زیرا در برخی پژوهش‌ها ترکیب دلبستگی همسران عامل مهمی در پیش‌بینی رضایت زناشویی شناخته شده است. برای مثال عیدی و خانجانی (۱۳۸۵) طی پژوهش خود دریافتندکه اجتناب دلبستگی همسر بیش از دیگر ویژگی‌های همسر می‌تواند اضطراب دلبستگی فرد را پیش‌بینی کند، بدین معنا که با افزایش اجتناب دلبستگی همسر، بی‌تفاوتی، اجتناب از صمیمیت، عدم حمایت و مراقبت و سردی هیجانی همسر افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی وقتی فرد با موقعیت تهدید کننده‌ای روبرو می‌شود، همسر را ارزیابی می‌کند و او را به عنوان یک منبع دلبستگی، در دسترس و پاسخگو نمی‌یابد. بنابراین به‌نظر می‌رسد شاید بخشی از اثر منفی سبک دلبستگی اجتنـابی را بـاید در رضـــایت زناشـویی همسر فرد اجتنابی جستجو کرد که در این پژوهش به علت عدم استفاده از نمونه زوجی، این اثر مغفول مانده است.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به روش نمونه گیری در دسترس اشاره کرد که در این روش نمونه‌گیری، نمونه معرف جامعه نیست و تعمیم نتایج به جامعه هدف باید با احتیاط انجام شود. یکی دیگر از محدودیت‌ها استفاده از پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور بود؛ که پیش از اجرا و طبق ادبیات پژوهش پرسشنامه مطلوبی ارزیابی شد اما در عمل پس از دریافت بازخورد از پاسخ‌دهندگان به نظر رسید که درک توصیف‌ها؛ که پاسخ‌دهندگان باید یکی از آنها را که بیشتر معرف خودشان است انتخاب نمایند، و هم‌چنین شیوه پاسخ‌دهی به سوالات با وجود توضیحات برای پاسخ دهندگان مشکل بوده است و به نظر می‌رسد این موضوع می‌تواند در نتیجه‌گیری از داده‌های پژوهش اخلال ایجاد کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از سایر روش‌های سنجش متغیرهای پژوهش اعم از سایر پرسشنامه‌ها و یا روش‌های مشاهده و مصاحبه استفاده شود زیرا با توجه به ادبیات پژوهش می‌توان گفت تفاوت در روش سنجش متغیرهای پژوهش ممکن است نتایج متفاوتی را ایجاد نماید. هم‌چنین به نظر می‌رسد یافتن سایر متغیرهای واسطه‌ای در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی به شناسایی نحوه ارتباط این دو متغیر کمک می‌کند در نتیجه پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به بررسی این متغیرها بپردازند. علاوه بر این به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود به جای انتخاب افراد متاهل به صورت انفرادی، در پژوهش خود زوجین را مورد بررسی قرار دهند تا نقش ترکیب سبک دلبستگی زوجین نیز بررسی شود.

1. anxiety over relationship
2. comfort with closeness

منابع

اندوز، ز. و حمیدپور، ح. (۱۳۸۴). بررسی رابطه روانسازه ناسازگار با سبک دلبستگی و سازگاری زناشویی. مقاله ارایه شده در دومین کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران. دانشگاه شهید بهشتی ۲۵ تا ۲۹ اردیبهشت.

بشارت، م. ع. (۱۳۹۱). مبانی درمانی نظریه دلبستگی. *فصلنامه رویش روانشناسی، ۱*، ۳۹-۱۵.

بیرامی، م.، فهیمی، ص. اکبری.، و امیری، ا. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک دلبستگی و مولفه‌های تمایزیافتگی. *مجله اصول بهداشت روانی، ۱۴*، ۷۷-۶۴.

پاکدامن، ش. (۱۳۸۰). *بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانی*. رساله دکتری روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

ثنایی، ب. (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: انتشارات بعثت.

حمیدی، ف. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متاهل دبیری. *خانواده پژوهی، ۹*، ۴۵۳-۴۴۴.

خجسته‌مهر، ر.، امان‌اللهی، ع.، زهره‌ای، ا.، و رجبی، غ. (۱۳۹۳). سبک‌های دلبستگی، اسناد علّی و اسناد مسوولیت به عنوان پیش‌بین‌های خشونت علیه زنان. *روانشناسی خانواده، ۱*، ۵۲-۴۱.

ذوالفقاری، م.، فاتحی‌زاده، م.، و عابدی، م. ر. (۱۳۸۷). تعیین رابطه بین روانسازه‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی زوجین شهر اصفهان. *فصلنامه خانواده پژوهی، ۴*، ۲۶۱-۲۴۷.

رفیعی، س. حاتمی، ا.، و فروغی، ع. ا. (۱۳۹۰). رابطه بین روانسازه‌های ناسازگار اولیه و سبک دلبستگی در زنان دارای خیانت زناشویی. *فصلنامه زن و جامعه، ۲*، ۳۶-۲۱.

عیدی، ر.، و خانجانی، ز. (۱۳۸۵). بررسی رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی. *فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز، ۲ و ۳*، ۱۹۰- ۱۶۵.

مظاهری، م. ع. (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش‌وری ازدواج. *مجله روانشناسی، ۱۵*، ۳۱۸-۲۸۶.

مؤمن‌زاده، ف.، مظاهری، م. ع.، و حیدری، م. (۱۳۸۴). ارتباط تفکرات غیر منطقی و الگوهای دلبستگی با سازگاری زناشویی. *فصلنامه خانواده پژوهی، ۱*، ۳۷۸-۳۶۹.

نیک‌پرور، ف. (۱۳۸۸).*پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس حوزه‌های روانسازه‌های ناسازگار اولیه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته خانواده درمانی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.

یانگ، ج.، کلوسکو، ژ.، و ویشار، م. (۲۰۰۳). *روانسازه درمانی (راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی)*. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز، ۱۳۸۶. تهران: انتشارات ارجمند.

یوسفی، ر.، عابدین، ع.، تیرگری، ع.، و فتح‌آبادی، ج. (۱۳۸۹الف) اثربخشی مداخله آموزشی مبتنی بر مدل روانسازه‌ها در ارتقا رضایت زناشویی. *مجله روانشناسی بالینی، ۳*، ۳۸-۲۵.

یوسفی، ن.، اعتمادی، ع.، بهرامی، ف.، احمدی، س. ا.، و فاتحی‌زاده، م. س. (۱۳۸۹ب). مقایسه روانسازه‌های ناسازگار اولیه در همسران مطلقه و عادی به عنوان پیش‌بینی کننده طلاق. *مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۶*، ۳۳-۲۱.

References

Arieti, S., & Bemporad, J. (1980). The psychological organization of depression. *American Journal of Psychiatry,137*, 1360-1365.

Baldwin, M. W., & Fehr, B. (1995). On the instability of attachment style ratings. *Personal Relationships, 2*, 247-261.

Banse. R. (2004). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationships, 21*, 273-282.

Bartholomew, K., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: Test of a four-category model. *Journal of Personality and Social Psychology, 61*, 226-244.

Bartholomew, K., & Shaver, P. R. (1998). Methods of assessing adult attachment: Do they converge? In J. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds.), *Attachment Theory and Close Relationships* (pp. 25-45). New York: Guilford

Birnbaum, G. E. (2007). Attachment orientations, sexual functioning, and

relationship satisfaction in a community sample of women. *Journal of Social and Personal Relationships, 24,* 21-35.

Bowlby. J. (1969). Attachment and loss: Attachment, Vol. I. New York: Basic books.

Bowlby, J. (1984). *Violence in the family as a disorder of the attachment and caregiving systems. American Journal of Psychoanalysis, 44,* 9-27.

Charnia, M. R., & Ickes. W. (2007). Predicting marital satisfaction: Social absorption and individuation versus attachment anxiety and avoidance. *Personal Relationships, 14,* 187-208.

Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of personality and social psychology, 58,* 644-663.

Feeney, J. A., Noller, P., & Callan, V. J. (1994). Attachment style, communication and satisfaction in the early years of marriage. In K. Bartholomew & D. Perlman (Eds.), *attachment processes in adulthood* (pp. 269-308). London: Jessica Kingsley.

Fowers, B. J., & Olson, D. H. (1989). ENRICH Marital Inventory: A discriminant validity and cross-validation assessment. *Journal of marital and family therapy, 15,* 65-79.

Fraley, R. C., & Shaver, P. R. (2000). Adult romantic attachment: Theoretical developments, emerging controversies, and unanswered questions. *Review of General Psychology, 4,* 132-154.

Güngör, H. C. (2015). The predictive role of early maladaptive schemas and attachment styles on romantic relationships. *International Journal of Social Sciences and Education, 5,* 417-430.

Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology, 52,* 511-524.

Larson, J. H., & Holman T. B. (1994). Predictors of marital quality and stability. *Family Relations, 43,* 228-237.

Mason, O., Platts, H., & Tyson, M. (2005). Early maladaptive schemas and adult attachment in a UK clinical population. *Psychology and psychotherapy: Theory, research and practice, 78,* 549-564.

Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2010). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change.* The University of Michigan: Guilford Press.

Pascal, A., Christine, A., & Jean, L. (2008). Development and validation of the Cognitive Inventory of Subjective Distress. *International Journal of Geriatric Psychiatry, 23,* 1175-1182.

Platts, H., Tyson, M., & Mason, O. (2002). Adult attachment style and core beliefs: Are they linked? *Clinical Psychology & Psychotherapy, 9,* 332-348.

Simpson, J. A. (1990). Influence of attachment styles on romantic relationships. *Journal of personality and social psychology, 59,* 971-980.

Stackert, R. A., & Bursik, K. (2003). Why am I unsatisfied? Adult attachment style, gendered irrational relationship beliefs, and young adult romantic relationship satisfaction. *Personality and Individual Differences, 34,* 1419-1429.

Taniguchi, S. T., Freeman, P. A., Taylor, S., & Malcarne, B. A. (2006). Study of married couples' perceptions of marital satisfaction in outdoor recreation. *Journal of Experiential Education, 28,* 253-256.

Wearden, A., Peters, I., Berry, K., Barrowclough, C., & Liversidge, T. (2008). Adult attachment, parenting experiences, and core beliefs about self and others. *Personality and Individual Differences, 44,* 1246-1257.

Young, J. E., & Brown, G. (1999). *Young Schema Questionnaire-L3a.* Cognitive Therapy Center of New York: Authors.